

عزانه محرم

سخران: جناب آقاي محمد حسين رحيمي

موضوع: اثرشناسي كلمات طيب و خبيث  
در فرهنگ قرآني

جلسه چهاردهم

( يازدهم محرم ۱۴۰۲ )

لکلمة طيبة  
جعلت سيرة عليا



كلمة طيبة جعلت سيرة عليا  
عزانه محرم

بازمين چه پرستش که در خلق عالم  
حسین است عسک است  
بازمين نوچه و چه چه پاهم  
چه عطش منم کز زرين  
بازمين پر چه حرم است  
بی تو خاسته اعظم است

گروه فرهنگی المنهاج

@almenhaj  
@almenhajGroup  
@almenhaj  
www.almenhaj.com(ir)

السيرة على الحسين علي بن ابي طالب  
عزانه محرم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ)

(خداوندا! به تو پناه می‌برم از این که)

(أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ)

(گمراه کنم یا گمراه شوم)

(أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَ)

(بلغزانم یا لغزانده شوم)

(أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ)

(ظلم کنم یا به من ظلم شود)

.....  
(أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ)

(به جهل بکشانم،

یا به جهل کشیده شوم)

## السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ

وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ

عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا

مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ

وَ لاجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

جلسه یازدهم گفتاری پیرامون  
(کلمات طیب و کلمات خبیث)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً  
كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ.  
تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ  
الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ.  
وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ  
فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ.

(آيات 24-26 / سورة ي مبارکه ی ابراهیم)

خلاصه‌ای از گفتار  
(کلمات طیب و کلمات خبیث)



در طول جلساتی که پیرامون موضوع  
(کلمات طیب و کلمات خبیث)

سخن گفتیم به این امر پرداختیم که:

---

(تربیت)،

قرار گرفتن (کلمات طیب) در جان انسان است؛  
و قرار گرفتن (کلمات خبیث) در جان انسان نیز،  
نوع دیگری از (تربیت) را به دنبال دارد است.

(کلمات طیب)

انسان را به (مسیر سعادت) سوق می‌دهد.

---

و (کلمات خبیث)

راه را به سوی (مسیر شقاء) باز می‌کند.

قرآن (کلام الله) است.

(کلمات طیب) به سوی (نور) سیر می‌دهند،  
و (کلمات خبیث) به سوی (الظُّلُمَات) می‌کشانند.

---

قرآن با معرفی (کلمات طیب و کلمات خبیث) و آثار آنها،  
از (الظُّلُمَات) به سوی (نور) سیر می‌دهد.

---

و (هدایت و به ثمر نشستن آن)، با (کلمات) صورت می‌پذیرد.

و در فرهنگ قرآن کریم  
دایره‌ی (کلمات) بسیار وسیع است.

(رب)،

آنچه را که از جنس (توبه و بارش رحمت)،

در درونش پنهان است،

در لباس (ربنا ظلمنا انفسنا) آشکار می‌کند،

و از آن به (کلمه) تعبیر می‌کند.

---

(فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ)

(رب)، آنچه را که از جنسِ  
(سیر دادن و رساندن یک انسان به مقام امامت)،  
در درونش پنهان است، در لباسِ  
(حوادث و وقایع و ابتلائات) آشکار می‌کند،  
و از آن به (کلمه) تعبیر می‌کند.

---

(وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ)

(رب)،

آنچه را که از جنسِ (خلق و شفا و احیاء)،  
در درونش پنهان است،  
در لباس عیسی آشکار می‌کند،  
و از آن به (کلمه) تعبیر می‌کند.

(بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ)

و تمامی عالم، ظهور (رب العالمین) است.  
پس تمامی عالم (کلمات) اوست.

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَتَمِّهَا)  
(وَ كُلِّ كَلِمَاتِكَ تَامَةً اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا)



# نحوه‌ی عملکرد (کلمات)

(علوم حقه) یا ظواهر قرآن،  
و (معارف حقیقی)، یا باطن قرآن،  
همان (کلمات طیب) است که قرآن کریم،  
درباره‌ی نحوه‌ی عملکرد آنها می‌فرماید:

---

(إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ)

انسان، دائماً در حالِ سیر است؛  
این سیر با **(کلمه)**، آغاز می‌شود؛

---

**(کلمه)**،

**(نوشته‌ای در درون جان انسان است)**

که **(عمل)** از آن سرچشمه می‌گیرد.

با هر (عملی)، (انسان دیگری)، خلق می‌شود؛  
و (انسان دیگر)،  
دارای (دریافت یا کلمه‌ی دیگری) است.

---

(کلمه‌ای)، که در اثر (عمل)،  
جایگاهش در نزد انسان تغییر کرده است.

(عمل)، دائما در حالِ

(خلق دنیایی جدید متناسب با خود، در درون انسان) است؛

---

با هر (عملی)، (انسان دیگری)،

و (انسان دیگر)، دارای (دریافت یا کلمه‌ی دیگری) است.

---

(کلمه‌ای)، که در اثر (عمل)،

جایگاهش در نزد انسان تغییر کرده است.

و (تربیت)،

---

قرار گرفتن (کلمات طیب)،  
در جان انسان است.

# (کلمه‌ی علیای) قرآن کریم

(پیام توحیدی)

(کلمه‌ی طیبه‌ی **أَعْبُدُوا اللَّهَ**)، این است:

---

(الله) سبحانه و تعالی؛

(مصدر و منبع جوشش هر هویتی)،

و (مالک حقیقی) تمام عالم است.

در نتیجه:

(قوام و هستی) تمام عالم، به حق تعالی وابسته است.



**(این کلمه‌ی طیبه که توحید نام دارد)**

بیانگر این است که انسان اعتقاد داشته باشد،

**هستی همگان از حق تعالی است؛**

و بقاء این هستی هم از اوست.

این اعتقاد، صرف یک دانستن بدون آثار عملی نیست.

کسی که اعتقاد دارد **هستی همگان از اوست؛**

و بقاء این هستی هم از اوست؛ این اعتقاد برای او،

**(آثار عملی در تمام جنبه‌های زندگی)** به همراه دارد.

محور تمامی

(خواستن‌ها و نخواستن‌ها)،

(غم‌ها و شادی‌ها)،

(مصیبت زده شدن‌ها و بهره بردن‌ها)،



(خود انسان و احساس مالکیتی) که:

نسبت به دارائیهای خویش دارد.

**إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** می‌گوید:

**(تو خود از آن خویشتن نیستی)،**

**(تا چه رسد به دارائیهای تو)،**

تو و تمام دارائیهای تو،

ملک حقیقی الله تعالی هستی،

و دائما اصل وجود تو و تمامی دارایی تو،

از جایگاه الله در حال ظهور است؛

و همگان نیز اینگونه‌اند.

اما در **(جایگاه توحید)**،  
هرچه به ما اصابت می‌کند،  
را **(تقدیر الله تعالی)** می‌دانیم و می‌دانیم:

---

و او در این **(تقدیر و اصابت)**،  
**(از ناحیه‌ی هر سببی که اتفاق بیفتد)**،  
در حال تربیت و سوق دادن ما،  
**(به سوی مسیر سعادت است)**.

و انبیا اینگونه با کاشتن  
(کلمه‌ی طیبه‌ی **أَعْبُدُوا اللَّهَ**)،

قوم خود را هدایت و تربیت می‌کردند.

قرآن کریم،

برای عالم قائل به **(منشأ و مصدری)** است که:  
تمامی کمالاتِ متعلقِ به تمامی موجودات،  
از آن سرچشمه می‌گیرد.

---

گاهی از آن به **(ضمیر غایبِ «ه» یا هو)**  
و گاهی به لفظ جلاله‌ی **(الله)** تعبیر می‌کند؛  
و برای **(مِنْ دُونِهِ)**، یا **(مِنْ دُونِ اللهِ)**،  
**(هیچ ارزش و اثر و اعتباری قائل نیست)**

**(مِنْ دُونِهِ)**، هرچیز و هرکس است که:  
**(ارتباطش با الله تعالی قطع شده است).**

---

قطع ارتباط با الله تعالی یعنی:  
قطع ارتباط با **(مصدر و منبع سبب)**؛  
و خالی شدن از هستی، خالی شدن از هر دارایی،  
هیچ و پوچ شدن، و در نتیجه:

---

**(از دست دادن تمامی آثار هستی).**

و از آنجا که (مِنْ دُونِهِ)،  
(ارتباطش با منشأ و مصدر عام قطع شده است)،  
(و هیچ ارزش و اثر و اعتباری ندارد)؛

جناب یوسف (علی نبینا و آله و علیه السلام)؛

به مصاحبان زندانی خود می گوید:

---

(ما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ)،  
(إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ).



پیام آیه‌ی (ما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ)،  
(إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ)؛

این است که:

شما فقط چیزی را می‌پرستید که:

(نام خالی از حقیقت)،

(هیچ ارزش و اثر و اعتباری در عالم ندارد).

(إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ) می گوید:

---

(الله تعالی عالم را با اسباب، اداره می کند)؛  
اما (حقیقت تأثیر فقط از آن الله تعالی است)، است.

---

نتیجه‌ی این (بینش توحیدی)،  
کشیده شدن انسان به سوی (عبودیت) است:

---

(أَمَرَ إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ)

این (بینش توحیدی) که:  
(حقیقت تأثیر فقط از آن الله تعالی است)،

---

و (دین)، (قادر و مدبر و غیر متزلزل) است،  
و تمامی شئون زندگی انسان را اداره می‌کند، ولی:

---

(وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ)،  
(اکثر مردم، دریافت قلبی از این حقیقت ندارند)

# سخن پایانی

در ابتدای گفتار این جلسه،  
این چالش طرح کردیم که:

---

چگونه (کلمه‌ی طیه)، دارای  
(ثبات) و (میوه و ثمره‌ی دائمی) است؟

---

و چگونه (کلمه‌ی خبیثه)، ریشه و قرار ندارد.  
و میوه نمی‌دهد و نه قرار و آرامش به دنبال نمی‌آورد؟

گرچه سراسر قرآن کریم، وبیانات دینی،  
معرفی (کلمات طیب و خبیث)،  
و بیان آثار و نتایج این کلمات است، اما:

---

(ریشه‌ی تمامی کلمات طیب توحید است)  
و (حقیقت کلمه‌ی خبیثه شرک است).

(کلمه‌ی طیبه یا توحید)، دارای  
(ثبات) و (میوه و ثمره‌ی دائمی) است.

---

(کلمه‌ی خبیثه یا شرک)، ریشه و قرار ندارد.  
چیزی که ریشه و قرار ندارد،  
نه میوه می‌دهد و نه قرار و آرامش به دنبال می‌آورد.

(کلمه‌ی طیبه یا توحید)

(أَعْبُدُوا اللَّهَ)، است و پیام آن این است که:

---

(الله) سبحانه و تعالی؛

(مصدر و منبع جوشش هر هویتی)،

و (مالک حقیقی) تمام عالم است.

در نتیجه:

(قوام و هستی) تمام عالم، به حق تعالی وابسته است.



این اعتقاد،

صرف یک دانستن بدون آثار عملی نیست.

کسی که اعتقاد دارد **هستی همگان از اوست؛**

و بقاء این هستی هم از اوست؛

این اعتقاد برای او،

**(آثار عملی در تمام جنبه‌های زندگی)**

به همراه دارد.

(کلمه‌ی طیبه یا توحید) می‌گوید:

---

(الله تعالی عالم را با اسباب، اداره می‌کند)؛  
اما (حقیقت تأثیر فقط از آن الله تعالی است)، است.

---

نتیجه‌ی این (بینش توحیدی)،  
کشیده شدن انسان به سوی (عبودیت) است.

(أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ)

---

الله تعالی امر کرده است که:

(فقط راه عبودیت او را در پیش بگیری)

---

و (عبودیت)،

(توجه و مراقبه) از این (بینش توحیدی) است که:

(حقیقت تأثیر فقط از آن الله تعالی است)،

(و جاری شدن آن در تمامی شئون زندگی).

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

---

(عبد)،

در آنچه (الله تعالی) به او داده است،

خود را (مالک) نمی بیند؛

(و برای خویشتن تدبیر نمی کند)؛

(و تمام اشتغال او پرداختن به امر و نهی الهی است).

این (بینش توحیدی) که:  
(حقیقت تأثیر فقط از آن الله تعالی است)،

---

و (دین)، (قادر و مدبر و غیر متزلزل) است،  
و تمامی شئون زندگی انسان را اداره می‌کند، ولی:

---

(وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ)،  
(اکثر مردم، دریافت قلبی از این حقیقت ندارند)

و این داستان،  
داستانِ (کلمات طیب)  
و (کلمات خبیث)، است.

پایان جلسه یازدهم گفتاری پیرامون  
(کلمات طیب و کلمات خبیث)

آه از دمی که از ستم چرخ کجمدار  
آتش گرفت خیمه و بر باد شد دیار  
بانگ رحیل، غلغله در کاروان فکند  
شد بانوان پرده عصمت شترسوار  
خور شد فرو به مغرب و تابنده اختران  
بستند بار شام قطار از پی قطار  
غارتگران کوفه ز شاهنشاه حجاز  
نگذاشتند در یتیمی به گنجبار



گردون به درُنثاری بزم خدیو شام  
عقدی به رشته بست ز دُرهای شاهوار  
گنجینه‌های گوهر یک‌دانه شد نهان  
از حلقه‌های سلسله در آهنین حصار  
آمد به لرزه عرش ز فریاد اهل بیت  
در قتلگه چو قافلۀ غم فکند یار  
ناگه فتاده دید جگر گوشۀ رسول  
نعشی به خون طپیده به میدان کارزار

زینب چو دید پیکر آن شه به روی خاک  
از دل کشید ناله به صد درد سوزناک  
کای خفته خوش به بستر خون دیده باز کن  
احوال ما بین و سپس خواب ناز کن  
ای وارث سریر امامت به پای خیز  
بر کشتگان بی کفن خود نماز کن  
طفلان خود به ورطه بحر بلا نگر  
دستی به دستگیری ایشان دراز کن

بس درده است در دلم از دست روزگار  
دستی به گردنم کن و گوشم به راز کن  
سیرم ز زندگانی دنیا یکی مرا  
لب بر گلو رسان و ز جان بی‌نیاز کن  
برخیز صبح شام شد ای میر کاروان  
ما را سوار بر شتر بی‌جهاز کن  
یا دست ما بگیر و از این دشت پر هراس  
بار دگر روانه به سوی حجاز کن

السَّلَامُ عَلَى وَليِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ؛  
السَّلَامُ عَلَى خَليلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ؛  
السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيَّهِ؛  
السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ؛  
السَّلَامُ عَلَى أُسَيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتيلِ الْعَبْرَاتِ.